



وضع بحرانی میراث فرهنگی ایران



هم‌میهنان ارجمند، خوانندگان گرامی، مدیران و مسئولان کشوری! آکاهید که در این روزها و سالها، میراث و تاریخ و فرهنگ ایرانی از همه سو مورد بی‌مهری قرار گرفته است. میراث معنوی ما به لطف کاهلی، بی‌دانشی و بی‌بهره بودن مدیران ما از آگاهی و معرفت تاریخی در گذشته و حال یکی از بی‌دیگری به نام و کام دیگران ثبت شده و می‌شود. ما به عنوان فرزندان این سرزمین با توجه به وظیفه دانشجویی خود و رشته و تخصص لازم دانستیم تا گوشه‌ای از دغدغه‌های خود را با ملت ایران، مسوولان و مدیران کشور در میان گذاریم.

۱. اکنون روند غارت، ویران‌سازی و جعل میراث فرهنگی این مرز و بوم در کنار دستبرد به تاریخ و دستاوردهای معنوی نیاکان ما - صورت دیگری به خود گرفته و پر شتاب‌تر از گذشته پیش می‌رود. از یک سو، نابود شدن و در خطر قرار گرفتن محوطه‌ها و مجموعه‌های ثبت شده در فهرست میراث ملی و جهانی، محوطه‌های بیش از تاریخ، محوطه‌های تاریخی، محوطه‌های اسلامی، بافت‌های تاریخی شهرها و حراج میراث فرهنگی ایران را هر روز در خبرها می‌شنویم، و از دیگر سو بی‌توجهی به میراث معنوی (همچون عدم توفیق در برگزاری سال مولانا عارف بزرگ پارسی گوی ایرانی، و ثبت میراث معنوی برجای مانده از او به نام ایران و نیز کوتاهی در ثبت "توروز" و "تعزیه" به نام ایران در فهرست میراث معنوی جهان) همچنین تهاجم برنامه ریزی شده به ریشه‌های تاریخ ایران چه در سطح جهانی و چه متاسفانه در درون کشور از جمله مصادیق تخریب و جعل تاریخ و ناتوانی ما در دفاع از میراث مادی و معنوی مان است. تمام این موارد و نبود برنامه‌ها یا طرح‌هایی که بتواند با ایران ستیزی برنامه ریزی شده این سالها مقابله نماید، اعتماد ما را به مدیریت فرهنگی کشور روز به روز کمتر می‌کند. متاسفانه هر روز بروگی بر برگی تخریب میراث ما - چه با غارت غیرقانونی آن، چه با تخریب قانونی آن در لفافه عمران و چه با جعل آن توسط برخی عناصر خودفروخته - افزوده می‌شود. در این روزها نیز اقدام برای آبگیری و راهاندازی سد سیوند به نام "سیوند" در منطقه‌ای تاریخی به نام تنگ بلاغی به نماد مبارزه با بخشی از تاریخ ایران تبدیل شده است.

۲. عدم هماهنگی وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های اجرایی کشور با سازمان میراث فرهنگی، آسپیهای هولناکی را به تاریخ و تمدن ایرانی و اسلامی ما وارد آورده و خواهد آورد. به عنوان نمونه هم اکنون وزارت نیرو برنامه‌های نزدیک به ۴۰۰ سد را در نقاط گوناگون ایران در دست دارد که در حال طراحی، ساخت و آبگیری‌اند. بیندیشیم آیا با وضع موجود تمام این نقاط مورد بررسی باستان شناسانه قرار گرفته‌اند؟ آیا مسوولین باستان‌شناس ما از اجرای طرح‌های مختلف وزارت راه با خیر بوده‌اند و یا از طرح‌های جدید مطلع می‌شوند. در مقام کارشناسان و دانشجویان باستان‌شناسی و میراث فرهنگی این سرزمین اعلام می‌کنیم برنامه‌های عمرانی به شکلی که هم اکنون در کشور اجرا می‌شود، لطمات جبران ناپذیری به میراث فرهنگی ما وارد آورده است.

۳. یکی از مهمترین موضوعاتی که در این روزها دستداران میراث فرهنگی را نگران ساخته موضوع آبگیری سد سیوند است. مسوولان وزارت نیرو به گواه مصاحبه‌های متعدد خود آبگیری سد سیوند را مشروط به ارائه نظر باستان‌شناسان کرده‌اند و اکنون با موافقت «سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری»، سد سیوند واقع در شمال شهر شیراز در منطقه تنگ بلاغی - میان دو دشت فرغاب (پاسارگاد) و مرو دشت - افتتاح شده است. در مقام کارشناسان و دانشجویان باستان‌شناسی این مرز و بوم اعلام می‌کنیم، به خلاف مسوولیت‌های سنگین که در ماه‌های اخیر به‌شانه باستان‌شناسی کشور نهاده شد، مطالعات تنگ بلاغی منحصر به فعالیتهای باستان‌شناسی نمی‌تواند باشد. هر چند باستان‌شناسان که در نجات بخشی آثار تنگ بلاغی بودند، به بهترین شکلی وظایف‌شان را به انجام رسانده‌اند. اما متاسفانه هنوز سندی مبنی بر انجام مطالعات

حفاظتی، زمین‌شناسی، ژئومورفولوژی، مردم‌شناسی، مطالعات اجتماعی، اقتصادی و بویژه زیست محیطی در اختیار متخصصان و پژوهشگران قرار نگرفته است. دستور آبگیری سد سیوند در حالی صادر شده است که پژوهشکده حفاظت و مرمت آثار تاریخی، هیچ مطالعه‌ای در باب تبعات منفی آبگیری این سد بر مجموعه آثار پاسارگاد انجام نداده و سکوت غیرمسئولانه‌ای در پیش گرفته است. آیا طرح این موضوع که در صورت بروز آسیب‌های رطوبتی بر مجموعه آثار پاسارگاد، دریاچه سد سیوند خشکانده می‌شود، پاسخ قابل قبولی است؟

تاکنون ادله چندی از سوی پژوهشگران در باب نادرست بودن آبگیری سد سیوند بیان شده است: مواردی همچون رطوبت و تهدید پاسارگاد، بحث منابع طبیعی بلاغی، مباحث زمین‌شناسی اما با توجه به فعالیت‌های جدید باستان‌شناسانه صورت گرفته، تنگ بلاغی جزئی از یک مجموعه بزرگ هخامنشی است. کاوشهای باستان‌شناسی منجر به کشف یک روستای هخامنشی و یک کاخی هخامنشی (مربوط به دوره داریوش اول) شده است. بررسی‌های اخیر باستان‌شناسی نیز حاکی از آن است که سد سیوند بر روی یک «بنده دوره هخامنشی احداث شده است. این یافته‌ها نشان می‌دهند که تنگ بلاغی زنجیره ناگسسته دو مجموعه جهانی تخت جمشید و پاسارگاد است. تنگ بلاغی همچنین شاهراه باستانی دو مرکز عمده دوره هخامنشی یعنی پاسارگاد و تخت جمشید است. مدفون کردن این محوطه در زیر خروارها آب و رسوب در واقع وارد آوردن آسیب جدی به «منظر فرهنگی» آن دو مجموعه جهانی است. متاسفانه مسوولان وزارت نیرو بدون آنکه منتظر انتشار نتایج پژوهش‌ها باشند، بلافاصله شروع به آبگیری این سد نموده‌اند. در اولویت نخست باید به مساله «حریم منظر» و «منظر فرهنگی» تنگ بلاغی اندیشید و بعد درباره آسپیهای رطوبتی مجموعه آثار پاسارگاد - که البته بسیار مهم و جدی است - بحث کرد. مسوولان وزارت نیرو بر این امر که کاخ هخامنشی تنگ بلاغی در ۱۰۰ متری دریاچه سد قرار دارد و زیر آب نمی‌رود، اصرار می‌کنند. اما آیا سازندگان این اثر تنها تا صد متری آن رفت و آمد داشته‌اند؟ تنگ بلاغی میراثی پایان‌ناپذیر است، اما کارکرد سد سیوند بیش از چهل سال نمی‌تواند باشد.

سازمان میراث فرهنگی می‌تواند از تنگ بلاغی به عنوان نقطه درخشان کارنامه خود سود جوید و این منطقه مهم تاریخی، زیبا و خوش آب و هوا را به یکی از مهمترین محوطه‌های گردشگری ایران مبدل کند. یافته شدن آثاری از هزاره پنجم پیش از میلاد مسیح، وجود یک روستای هخامنشی که به اعتقاد کاوشگران اهمیت زیادی برای اطلاع از وضع زندگی توده مردم این دوره دارد، فرضیه «شکارگاه» و «پردیس» بودن تنگ بلاغی، یافته شدن چند ساختار مهم معماری از دوره هخامنشی، یافته شدن سازه‌های متعددی از تولید نوعی اثر به و موارد دیگر بر غنای مدارک باستان‌شناسی این منطقه تاکید می‌نماید. می‌توان با مطالعه گسترده تر و با بازسازی برخی از آنها، علاوه بر تکمیل مطالعات باستان‌شناسی در فرصت مناسب، رونق گردشگری این منطقه را تضمین کرد. در مقام کارشناسان و دانشجویان باستان‌شناسی و میراث فرهنگی این سرزمین، آبگیری سد سیوند را کاری غیرکارشناسی می‌دانیم که با منافع ملی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی ما در تضاد است.

در سالی که ضربات سنگینی به فرهنگ و تمدن ایرانی و اسلامی ما وارد شده و مسوولان کشور نیز اعتراض و تکرانی خود را اعلام داشته‌اند، در سالی که مقام معظم رهبری، آن را «سال اتحاد ملی و انسجام اسلامی» نام داده‌اند، نابود کردن بخش مهمی از تاریخ و میراث فرهنگی این مرز و بوم گناهی نابخشودنی و ناشی از بی‌خبری از تاریخ ملتی بزرگ است. سیوند هنوز یک سد است تا فرصت هست از تبدیل آن به لکه‌نکی در تاریخ مان جلوگیری کنیم.

آنچه خواندید بیانیه شماره ۱ اتحادیه انجمن‌های علمی دانشجویان باستان‌شناسی سراسر کشور بود.